

## مطالعه شیوه‌های فرزندپروری ادراک شده نوجوانان بر اساس جنسیت و سن آنان

### Study of Adolescents Perceived Parenting Styles Based on their Gender and Age

S. Taghilo, Ph.D.

Psychology Department, Islamic Azad University,  
Astara Branch, Gilan, Iran

دکتر صادق تقی‌لو

گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آستارا

دریافت مقاله: ۹۵/۱۲/۱

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۶/۴/۳۰

پذیرش مقاله: ۹۶/۶/۲۰

#### Abstract

Parenting styles play a major role in determining the life styles of adolescents and that is why they share a special significance. The present study was done with the aim to investigate adolescents' perceived parenting styles based on their gender and age. The study was conducted by a post-event method and with a sample size of 623 subjects (311 female and 312 male), who were selected by the multistage sampling method. Data were analyzed, after being collected by the Baumrind Parenting Styles Questionnaire, using multivariate analysis of variance. The results indicated that the main effects of gender and age are significant at 0.01 level. Parents' interaction with boys is more authoritarian and with girls more authoritative; also compared with adolescents less than 17 years, they interact with

#### چکیده

شیوه‌های فرزندپروری نقش اساسی در تعیین سبک‌های زندگی نوجوانان داشته و بنابراین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. پژوهش حاضر با هدف بررسی شیوه‌های فرزندپروری ادراک شده نوجوانان بر اساس جنسیت و سن آنان انجام شد. این پژوهش به روش پس‌رویدادی و با نمونه‌ای به حجم ۶۲۳ نفر (۳۱۱ دختر، ۳۱۲ پسر) که با روش نمونه‌برداری چندمرحله‌ای انتخاب شده بودند، انجام شد. داده‌ها پس از گردآوری به کمک پرسش‌نامه سبک‌های فرزندپروری بامریند، با روش تحلیل واریانس چندمتغیری تحلیل شد. نتایج تحلیل نشان داد اثرهای اصلی جنسیت و سن در سطح ۰/۰۱ معنادار بوده و والدین با فرزندان پسر بیشتر به شیوه مستبدانه و با فرزندان دختر بیشتر به شیوه مقتدرانه تعامل می‌کنند، آن‌ها در تعامل با نوجوانان ۱۷ ساله در مقایسه با نوجوانان زیر ۱۷ سال بیشتر از سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه استفاده می‌کنند.

Corresponding author: Giulian, Astara, Islamic Azad University-Astara Branch, department of psychology.

Email: [S.taghilo@iau-astara.ac.ir](mailto:S.taghilo@iau-astara.ac.ir)

نویسنده مسئول: گیلان، آستارا، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آستارا، گروه روان‌شناسی

پست الکترونیکی: [S.taghilo@iau-astara.ac.ir](mailto:S.taghilo@iau-astara.ac.ir)

adolescents 17 years old more permissively. The interaction effects of gender and age were significant at 0.05 level only in the permissive parenting style. This means that unlike the girls, parents use more and more the permissive parenting style along with increasing age of adolescent teenage boys. It was concluded that the interaction patterns of parents with children are not fixed and these patterns vary according to gender and age of the children.

**Keywords:** Gender, Age, Parenting, Adolescent .

اثر تعاملی جنسیت و سن در سطح ۰/۰۵ و تنها در متغیر شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه معنادار بود، به این معنا که بر خلاف دختران، والدین همگام با افزایش سن فرزندان نوجوان پسر بیشتر از شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه استفاده می‌کنند. چنین نتیجه‌گیری شد که الگوهای تعامل والدین با فرزندان ثابت نبوده و در مجموع این الگوها متناسب با جنسیت و سن فرزندان تغییر می‌یابد.

**کلیدواژه‌ها:** جنسیت، سن، فرزندپروری، نوجوان.

## مقدمه

یکی از مباحث اساسی حوزه خانواده‌پژوهی، موضوع فرزندپروری بهینه و چگونگی دستیابی به آن است (مک‌کینی، میلون و رنک<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱؛ مک‌کینی و رنک، ۲۰۰۸). موضوع فرزندپروری از آن جهت اهمیت دارد که شواهد پژوهشی نشان می‌دهد شیوه‌های تعامل والدین با فرزندان نقش چشمگیری در تعیین بسیاری از رفتارهای سازگارانه و ناسازگارانه کودکان و نوجوانان ایفا می‌کند (مک‌کینی و رنک، ۲۰۰۸؛ هارپر، براون، آریاس و برودی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶). به‌ویژه این‌که شیوه‌های تربیتی والدین نقش اساسی در فرآیند جامعه‌پذیری فرزندان دارد، زیرا والدین واسطه بین فرزندان و محیط بیرونی بوده و بنابراین معرف معیارهای اخلاقی و اجتماعی به فرزندان خود هستند (کارمان، ون‌تویجل، ون‌آکن و دکوویک<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹). در همین راستا یافته‌های پژوهش‌های انجام شده بیانگر آن است که از یک سو شیوه‌های نادرست تربیتی، احتمالاً درون‌سازی قوانین اخلاقی - اجتماعی را به صورت منفی تحت تأثیر قرار می‌دهد (کوچانسکا<sup>۴</sup>، ۱۹۹۷) و در سوی دیگر شیوه‌های صحیح تربیت فرزند می‌تواند زمینه‌های پیشگیری از توسعه مسائل درون‌فردی به دنیای بیرون را فراهم کند (السون، سامروف، کر و لوپز<sup>۵</sup>، ۲۰۰۵). هم‌چنین یافته‌ها حکایت از آن دارد که شیوه‌های فرزندپروری نقش اساسی در تعیین سبک‌های زندگی نوجوانان داشته و نوجوانانی که به وسیله والدین مقتدر تربیت شده‌اند، علاوه بر گرایش کمتر به مصرف سیگار، مواد مخدر و الکل، موفقیت‌های تحصیلی بیشتری کسب نموده و کمتر احتمال دارد مرتکب رفتارهای بزهکارانه شوند (هاور، اوتن، دی وریس و اینگلز<sup>۶</sup>، ۲۰۱۰).

از طریق ازدواج، خانواده متشکل از پدر، مادر و فرزندان پایه‌ریزی خواهد شد. اشکال مختلف، ترکیب و ساختار خانواده ممکن است رشد شخصیت کودکان را به روش‌های مختلف تحت تأثیر قرار بدهد (قانی، روزواردی و عزیز<sup>۷</sup>، ۲۰۱۴). پرورش کودکان یکی از ابعاد عملکرد والدین است و مهم‌ترین اعضای این فرآیند والدین هستند (قانی، کمال و عزیز<sup>۸</sup>، ۲۰۱۴). الگوهای عملکرد خانواده، یعنی ابعاد عملکردی خانواده در

شیوه‌های پرورش فرزندان منعکس می‌شود (ماتجویک، جووانویک و ایلیک<sup>۹</sup>، ۲۰۱۵). بنا به تعریف سبک‌های فرزندپروری فضای خانوادگی کلی است که در آن تربیت فرزند رخ می‌دهد (هاور و همکاران، ۲۰۱۰). اگرچه هر خانواده و هر والد شیوه‌های منحصربه‌فردی در تعامل با فرزند خود به کار می‌گیرد، با وجود این بامریند<sup>۱۰</sup> سبک‌های فرزندپروری را به سه سبک استبدادی<sup>۱۱</sup>، مقتدرانه<sup>۱۲</sup> و سهل‌گیرانه<sup>۱۳</sup> تقسیم نموده است (اقدسی، نجفی، پناه‌علی و محمدی<sup>۱۴</sup>، ۱۳۹۰). وی بر این باور است که والدین مستبد، علاوه بر تعامل سرد با فرزندان، کنترل زیادی بر اعمال و رفتار آنان دارند و اغلب در مورد کنترل بیش از حد خود به فرزندان توضیحی ارائه نمی‌دهند. والدین مقتدر مانند والدین مستبد بر رفتار فرزندان کنترل دارند، با وجود این آن‌ها بر خلاف والدین مستبد رابطه گرم با فرزندان برقرار می‌کنند. در نهایت والدینی که سبک فرزندپروری آنان از نظر بامریند، سهل‌گیرانه است، کنترل اندکی بر رفتار کودکان خود داشته و به فرزندان خود اجازه می‌دهند در هر سنی خودشان تصمیم‌گیری کنند، اگرچه ممکن است آن‌ها در آن سنین قادر به اتخاذ تصمیم‌های صحیح نباشند (شهامت، ثابتی و رضوانی<sup>۱۵</sup>، ۱۳۸۹).

مطالعات تحلیل عاملی دو بعد اصلی در فرزندپروری را شناسایی کرده‌اند. بعد اول را می‌توان به عنوان «مراقبت» توصیف نمود، این بعد به رفتارهای مرتبط با پذیرش، گرمی و صمیمیت و در مقابل طرد و انتقاد، اشاره دارد. بعد دوم که «کنترل» نام گرفته است، به کنترل والدین، بیش‌حمایتی و در مقابل ترویج خودمختاری اشاره دارد (اکبریان فیروزآبادی، بهاری و محمدخانی<sup>۱۶</sup>، ۱۳۹۶). مروری بر مطالعات انجام شده در حوزه فرزندپروری نشان می‌دهد که بیشتر آنان تأثیر سبک‌های تعامل والدین بر ویژگی‌های شناختی، رفتاری و هیجانی فرزندان را مورد توجه قرار داده (مک‌کینی و همکاران، ۲۰۱۱) و مطالعه عوامل مؤثر بر سبک‌های فرزندپروری والدین را کمتر مورد توجه قرار داده‌اند.

یکی از دیدگاه‌هایی که عوامل مؤثر بر سبک‌های فرزندپروری را مورد توجه قرار داده، مدل نظری بلسکی است که معتقد است شیوه‌های فرزندپروری متأثر از سه منبع شخصیت، منابع حمایت - استرس و ویژگی‌های فردی فرزندان است (بلسکی<sup>۱۷</sup>، ۱۹۸۴). اگرچه بلسکی (۱۹۸۴) از بین ویژگی‌های فردی فرزندان، تأثیر سبک‌های رفتاری و خلق و خوی آنان بر سبک‌های فرزندپروری و میزان حساسیت والدین در واکنش به نیازهای کودکان را مورد تأکید قرار داده است، با وجود این شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد علاوه بر ویژگی‌های روان‌شناختی فرزندان، جنس آنان نیز شیوه‌های تعامل والدین را تحت تأثیر قرار می‌دهد (مک‌کینی و رنک، ۲۰۰۸؛ تاسکر<sup>۱۸</sup>، ۲۰۱۰؛ ماهونی، دانلی، لوپس و ماینارد<sup>۱۹</sup>، ۲۰۰۰). به عنوان مثال مطالعه مک‌کی و همکاران<sup>۲۰</sup> (۲۰۰۷) نشان می‌دهد که پسران در مقایسه با دختران تنبیه‌های کلامی و جسمی بیشتری دریافت می‌کنند. هم‌چنین شواهد پژوهشی به دست آمده حکایت از آن دارد که علاوه بر جنس، ترتیب تولد فرزندان نیز در تعیین شیوه‌های تعاملی والدین نقش اساسی دارد، به طوری که پسرهایی که برادر یا خواهر کوچک‌تر از خود دارند، براین باورند که والدین آن‌ها رفتاری توأم با طرد با آنان دارند، در مقابل دخترانی که برادر یا خواهر کوچک‌تر از خود دارند، بر این باورند که رفتار والدین نسبت به آنان گرم و توأم با پذیرش است (سومیا، یوهارا، کادوواکی، تانگ و تاکاهاشی<sup>۲۱</sup>، ۲۰۰۰).

به نظر می‌رسد علاوه بر جنسیت، سن فرزندان نیز یکی از عواملی است که احتمالاً شیوه‌های تعامل والدین و فرزندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (مک‌کینی و همکاران، ۲۰۱۱). در تأیید این ادعا میشل، فینکلهور و وولاک<sup>۲۳</sup> (۲۰۰۵) و ونگ، بیانچی و رالی<sup>۲۴</sup> (۲۰۰۵) در پژوهش‌های جداگانه نشان دادند که والدین رفتارهای فرزندان کم‌سن و سال خود در استفاده از فضای مجازی را بیشتر از فرزندان بزرگ‌تر تحت نظر گرفته و اغلب به منظور کنترل رفتارهای آنان در فضای مجازی از نرم‌افزارهای فیلترینگ<sup>۲۴</sup> استفاده می‌کنند. روزن، چیور و کریر<sup>۲۵</sup> (۲۰۰۸) نیز در یک مطالعه نشان دادند که بین سن فرزندان و سبک‌های فرزندپروری والدین رابطه وجود دارد و والدین احتمالاً با فرزندان بزرگ‌تر خود سهل‌گیرانه‌تر رفتار می‌کنند. به عبارت دیگر احتمالاً والدین با بزرگ‌تر شدن فرزندان، خودمختاری بیشتری به آنان می‌دهند. به همین دلیل آن‌ها در مقایسه با همشیره‌های کوچک‌تر خود احتمالاً از آزادی بیشتری برای فعالیت در فضای مجازی کسب می‌کنند.

در کل از مرور مطالعات انجام شده، چنین استنباط می‌شود که احتمالاً سن و جنسیت نوجوانان از عوامل مهم تعیین شیوه‌های فرزندپروری والدین است و احتمالاً شیوه‌های تعامل با فرزندان دختر و پسر در سنین مختلف متفاوت است، با وجود این شواهد پژوهشی اندکی در این حوزه وجود دارد. به همین جهت پژوهش حاضر به دنبال مطالعه شیوه‌های فرزندپروری ادراک شده بر اساس سن و جنسیت نوجوانان است، از این رو به دنبال پاسخ به این سؤالات است که آیا شیوه‌های فرزندپروری ادراک شده نوجوانان دختر و پسر متفاوت است؟ آیا شیوه‌های فرزندپروری ادراک شده نوجوانان با سنین مختلف، متفاوت است؟ و آیا شیوه‌های فرزندپروری ادراک شده در بین دختران و پسران نوجوان با سنین مختلف متفاوت است؟

## روش

### جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

پژوهش حاضر از نوع علی - مقایسه‌ای و جامعه آماری آن تمامی دانش‌آموزان نوجوانی بود که در مقطع دبیرستان در شهرستان کرج مشغول به تحصیل بودند. برای انتخاب گروه نمونه ابتدا از بین چهار منطقه آموزشی شهرستان کرج دو منطقه به صورت تصادفی انتخاب و در ادامه از هر منطقه دو دبیرستان پسرانه و دو دبیرستان دخترانه انتخاب شد. سپس در هر دبیرستان فارغ از نوع رشته، کلاس‌ها ابتدا شماره‌گذاری و سپس به صورت تصادفی از هر دبیرستان چهار کلاس انتخاب و دانش‌آموزان آن کلاس‌ها به عنوان گروه نمونه پژوهش حاضر در نظر گرفته شدند و در نهایت ۶۲۳ نفر از آنان داوطلب شرکت در پژوهش حاضر شدند.

### ابزار پژوهش

**پرسش‌نامه سبک‌های فرزندپروری بامریند<sup>۲۶</sup>:** برای ارزیابی سبک‌های فرزندپروری بامریند از پرسش‌نامه سبک‌های فرزندپروری بامریند استفاده شد که شامل ۳۰ سؤال است که سه خرده‌مقیاس سبک سهل‌گیرانه، سبک مستبد و سبک مقتدرانه را در بر می‌گیرد و در یک طیف لیکرت از «۰= کاملاً مخالفم» تا «۴= کاملاً موافقم» نمره‌گذاری می‌شود. بوری<sup>۲۷</sup> (۱۹۹۱) ضرایب آلفای کرونباخ ۰/۸۱، ۰/۸۶ و ۰/۷۸ را به

ترتیب برای سبک‌های سهل‌گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه برای گروه مادران و ۰/۷۷، ۰/۸۵ و ۰/۹۲ را به ترتیب برای سبک‌های سهل‌گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه برای گروه پدران و روایی قابل قبولی را گزارش کردند. نتایج پژوهش مینایی و نیک‌زاد<sup>۲۸</sup> (۱۳۹۶) نشان داد سؤالات پرسش‌نامه، دارای روایی نسبتاً مطلوبی هستند. همچنین در پژوهش مینایی و نیک‌زاد (۱۳۹۶) برای محاسبه اعتبار کل پرسش‌نامه از آلفای طبقه‌ای و برای محاسبه اعتبار خرده‌مقیاس‌ها از ضریب گاتمن استفاده گردید. نتایج نشان‌دهنده اعتبار نسبتاً خوب پرسش‌نامه و خرده‌مقیاس‌های آن بود.

### یافته‌ها

شرکت کنندگان این پژوهش ۶۲۳ نفر و همگی در سنین دبیرستان بوده‌اند. به این ترتیب که تعداد ۲۲۵ دانش‌آموز (۳۶/۱۱ درصد) ۱۵ ساله و یا کمتر، ۲۰۹ نفر (۳۳/۵۴ درصد) ۱۶ ساله، و ۱۸۹ نفر نیز (۳۰/۳۳ درصد) ۱۷ ساله و یا بیشتر بودند.

به منظور پاسخ به سؤالات پژوهش از روش تحلیل واریانس چندمتغیری دوراهه (۳ × ۲) استفاده شد. قبل از اجرای تحلیل واریانس، مفروضه همگنی واریانس - کواریانس به وسیله آماره «ام - باکس<sup>۲۹</sup>» مورد ارزیابی قرار گرفت و ملاحظه شد که نمره F حاصل از آزمون همگنی ماتریس‌های کواریانس مشاهده شده به لحاظ آماری معنادار است (P < ۰/۰۰۷، F = ۱/۷۵۰، M Box's = ۵۳/۱۷). با وجود این بر اساس دیدگاه تاباچینک و فیدل<sup>۳۰</sup> (۲۰۰۷، ص ۲۵۲) با توجه به این که سطح معناداری بزرگ‌تر از ۰/۰۰۱ است، بنابراین می‌توان گفت انحراف شدید در مفروضه همگنی ماتریس‌های واریانس و کواریانس رخ نداده و بنابراین نتایج تحلیل واریانس معتبر است.

جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد سبک‌های فرزندپروری ادراک شده نوجوانان

#### براساس سن و جنسیت آنان

پسر						دختر						
مستبدانه		مقتدرانه		سهل‌گیرانه		مستبدانه		مقتدرانه		سهل‌گیرانه		
SD	M	SD	M	SD	M	SD	M	SD	M	SD	M	
۶/۰۰	۲۳/۲۵	۳/۹۳	۳۹/۸۷	۴/۶۸	۲۲/۵۲	۴/۹۳	۲۱/۱۳	۴/۲۲	۴۰/۲۷	۴/۷۲	۲۳/۱۶	۱۵ سال و کمتر
۶/۰۳	۲۳/۶۶	۵/۲۱	۳۹/۰۷	۴/۶۷	۲۲/۹۳	۴/۷۵	۲۲/۵۲	۴/۵۰	۳۹/۷۵	۴/۷۱	۲۲/۸۱	۱۶ سال
۵/۱۴	۲۲/۰۹	۴/۳۲	۳۸/۹۳	۴/۵۹	۲۵/۰۳	۴/۲۲	۲۲/۳۹	۳/۶۰	۴۰/۲۴	۴/۴۱	۲۳/۰۵	۱۷ سال و بیشتر
۵/۶۹	۲۲/۳۳	۴/۵۲	۳۹/۲۶	۴/۷۶	۲۳/۵۸	۴/۷۳	۲۱/۹۰	۴/۱۸	۴۰/۱۰	۴/۶۳	۲۳/۰۰	کل

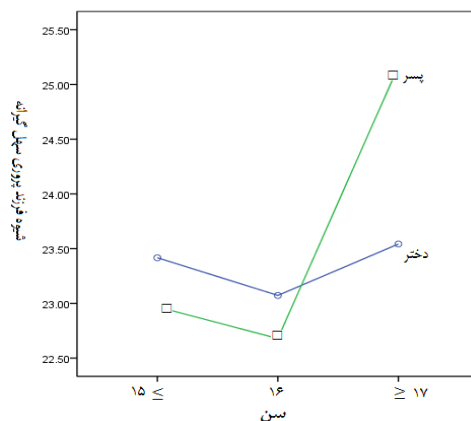
همچنین استفاده از آزمون لون نشان داد که واریانس‌های خطای سه شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه در گروه‌ها تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند. از طرف دیگر نتیجه آزمون کرویت بارلت<sup>۳۱</sup> با درجه آزادی ۵، در سطح معناداری ۰/۰۰۱ برابر با ۱۹۹/۷۷ به دست آمد. این نتیجه نشان می‌دهد که سطح قابل قبولی از همبستگی بین متغیرهای وابسته برقرار است.

جدول ۲: اثرهای اصلی و اثر تعاملی (جنسیت و سن) در مطالعه شیوه‌های فرزندپروری ادراک شده در نوجوانان

ANOVA					MANOVA				
$\eta^2$	F	درجه آزادی (W.B)	میانگین مجزورات		$\eta^2$	F	درجه آزادی (فرض، خطا)	لامبدای ویلکز	متغیر
۰/۰۰۱	۰/۶۷۹	۶۱۷،۱	۱۰/۲۰	سهل‌گیر	۰/۰۱۹	۳/۹۱۴**	۳/۶۱۵	۰/۹۸۱	جنسیت
۰/۰۱۶	۹/۹۳۴**	۶۱۷،۱	۳۳۷/۷۶	مقتدر					
۰/۰۰۶	۳/۷۹۷*	۶۱۷،۱	۳۹/۹۶	مستبد					
۰/۰۲۴	۷/۶۵۷**	۶۱۷،۲	۱۱۵/۰۶	سهل‌گیر	۰/۰۱۷	۳/۵۵۵**	۶/۱۲۲۸	۰/۹۶۶	سن
۰/۰۰۳	۰/۷۸۶	۶۱۷،۲	۱۸/۸۰	مستبد					
۰/۰۰۴	۱/۱۲۲	۶۱۷،۲	۱۱/۸۱	مقتدر					
۰/۰۱۴	۴/۴۱۰*	۶۱۷،۲	۶۶/۲۶	سهل‌گیر	۰/۰۱۲	۲/۴۹۳*	۶/۱۲۳۰	۰/۹۷۶	جنسیت و سن
۰/۰۰۳	۰/۸۹۴	۶۱۷،۲	۲۱/۳۹	مستبد					
۰/۰۰۱	۰/۴۲۸	۶۱۷،۲	۴/۵۱	مقتدر					

پس از اطمینان از برقراری مفروضه‌ها در داده‌های گردآوری شده، تحلیل واریانس چندمتغیری اجرا شد. نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری نشان داد که اثرهای اصلی جنسیت و سن در سطح ۰/۰۱ و اثر تعاملی جنسیت و سن در سطح ۰/۰۵ معنادار است.

به دنبال معناداری ارزش F حاصل از آزمون اثر اصلی و تعاملی جنسیت و سن در تحلیل واریانس چندمتغیری، تحلیل واریانس یک‌راهه به کار گرفته شد و ملاحظه شد که نمره‌های F مربوط به شیوه فرزندپروری مستبدانه و سبک فرزندپروری مقتدرانه به ترتیب در سطوح ۰/۰۱ و ۰/۰۵ معنادار است. ارزیابی میانگین‌های دو سبک یاد شده در دو گروه دختران و پسران نشان داد میانگین نمره‌های سبک مستبدانه پسران بیشتر از دختران است و میانگین نمره‌های سبک مقتدرانه دختران بیشتر از پسران است.



شکل ۱: اثر تعاملی جنسیت و سن در شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه

همچنین نتایج تحلیل واریانس یکراهه نشان داد که در مقایسه شیوه‌های فرزندپروری ادراک شده در بین گروه‌های سنی مختلف، تنها سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه در سطح ۰/۰۱ معنادار است. با توجه به این‌که متغیر سن در پژوهش حاضر بیش از سه سطح داشت، بنابراین برای ارزیابی تفاوت‌ها، آزمون تعقیبی بونفرونی به کار گرفته شد و نتایج نشان داد که نوجوانان ۱۷ساله در مقایسه با نوجوانان ۱۵ و ۱۶ساله میانگین بالاتری کسب نموده‌اند. این موضوع نشان می‌دهد که والدین نوجوانان ۱۷ساله در مقایسه با والدین نوجوانان ۱۵ و ۱۶ساله سهل‌گیرانه‌تر تعامل می‌کنند. در نهایت نتایج تحلیل واریانس یکراهه نشان داد که اثر تعاملی جنسیت و سن تنها در متغیر شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه معنادار است. این موضوع بیانگر آن است که والدین در تربیت فرزندان خود به جنسیت و سن آنان توجه می‌کنند و همچنان که نمودار شکل ۱ نشان می‌دهد، با افزایش سن فرزندان نوجوان پسر، والدین با آنان سهل‌گیرانه‌تر تعامل می‌کنند؛ در حالی که افزایش سن دختران نوجوان بر خلاف پسران، به اعطای اختیارات بیشتر به آنان منجر نمی‌شود.

### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف مطالعه شیوه‌های فرزندپروری ادراک شده نوجوانان بر اساس سن و جنسیت آنان انجام شد. نتایج تحلیل نشان داد که میانگین نمره‌های شیوه سهل‌گیرانه ادراک شده در دو جنس به لحاظ آماری متفاوت نیست، در مقابل میانگین نمره‌های سبک مستبدانه ادراک شده پسران بیشتر از دختران و میانگین نمره‌های شیوه مقتدرانه ادراک شده دختران بیشتر از پسران بود. به عبارت دیگر پژوهش حاضر نشان داد والدین با فرزندان پسر و دختر خود به صورت متفاوت تعامل می‌کنند، به طوری که این تعامل با پسران مستبدانه و با دختران مقتدرانه است. این یافته با نتایج مطالعه استورج - اپل، دیویس، بوکر و کامینگز<sup>۳۲</sup> (۲۰۰۴) که نشان دادند والدین در مقایسه با پسران، آشفستگی‌های دختران را بیشتر مورد توجه قرار می‌دهند، همسویی دارد. شاید عمده‌ترین دلیل تعامل والدین به شیوه مقتدرانه با دختران و تعامل استبدادی با پسران ناشی از نگرش‌های والدین درباره جنسیت فرزندان باشد که خود ریشه در طرحواره‌های نقش جنسیتی دارد (احمد، ایمران، خانام و ریاض<sup>۳۳</sup>، ۲۰۱۳). به عنوان مثال، در خانواده‌ها انتظار می‌رود پسران قوی، شجاع، جاه‌طلب و جرأت‌ورز باشند. در حالی که از دختران می‌خواهند تا اجتماعی، مؤدب و رسمی باشند، اما در موقعیت‌های سخت و دشوار ترسو و کناره‌گیر باشند (اگلی و وود<sup>۳۴</sup>، ۱۹۹۱). از آنجا که آن‌ها سعی دارند فرزندان را منطبق بر انتظارات تربیت کنند، بنابراین با دختران که از نظر آنان ظریف‌تر و آسیب‌پذیرتر هستند، منعطف‌تر و با پسران مستبدانه رفتار می‌کنند. یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که دختران در برقراری روابط شخصی مخصوصاً با اعضای خانواده بیش از پسران عاطفه‌مدار هستند و بنابراین سعی می‌کنند روابط با اعضای خانواده را حفظ کنند، زیرا آن‌ها می‌دانند که در ناملایمات و تعارضات درون‌خانوادگی به لحاظ عاطفی بیشتر تحت تأثیر قرار می‌گیرند. در مقابل گرایش پسران به استقلال در موقعیت‌های بین‌شخصی بار سنگینی را بر آنان تحمیل کرده و آنان را وادار می‌کند تا برای رهایی از سلطه والدین به مبارزه‌ای دشوار دست بزنند (واحدی و فتحی<sup>۳۵</sup>، ۱۳۸۹). چنین مبارزه‌ای از سوی والدین نافرمانی تلقی شده و گاهی آنان را مجبور به سخت‌گیری در تعامل با پسران می‌کند.

پژوهش حاضر نشان داد والدین دارای فرزند نوجوان ۱۷ ساله یا بزرگ‌تر در مقایسه با والدینی که فرزندانش ۱۶ سال یا کوچک‌تر دارند، با فرزندانشان نوجوان خود سهل‌گیرانه‌تر رفتار نموده و به عبارت دیگر اختیارات بیشتری به آنان می‌دهند. این نتیجه همسو با نتایج مطالعه فیلمینگ (به نقل از خدایی، معدنی‌پور و نقدی، ۳۶، ۱۳۸۶) است که نشان داد با افزایش سن نوجوان، استقلال رفتاری افزایش و پندپذیری کاهش می‌یابد. در تبیین این یافته لوئبر، درینکووتر، بین، اندرسون، اشمیت و همکاران<sup>۳۷</sup> (۲۰۰۰) معتقدند الگوهای تعامل والدین با فرزندان ثابت نبوده و در مجموع این الگوها همگام با بزرگ‌تر شدن فرزندان تغییر می‌یابد. گواه این ادعا یافته مطالعه پاگانی، ترمبلی، ویتارو، کر و مک‌داف<sup>۳۸</sup> (به نقل از لوئبر و همکاران، ۲۰۰۰) است که نشان داد با بزرگ‌تر شدن فرزندان، والدین کمتر از تنبیه جسمی استفاده می‌کنند. پریوو و تامیس‌لموندا<sup>۳۹</sup> (۲۰۱۷) در یک مطالعه نشان دادند که ارتباط و درگیری والدین با فرزندانشان برحسب سن آنها تفاوت دارد. هم‌چنین استنجر، دامنسی، کامون و برنستاین<sup>۴۰</sup> (۲۰۰۴) در یک مطالعه با والدین سوء‌مصرف‌کننده مواد مخدر، دریافتند که با افزایش سن فرزند، کنترل نامناسب والدین بر رفتارهای آنان افزایش و رفتارهای فرزندپروری مثبت کاهش می‌یابد. دوره بلوغ میانه، زمان اوج گرفتن تعارضات بین فرزندان و والدین است، اما در دوره‌های بعدی اگرچه تعارض مادران با فرزندان کاهش می‌یابد، با وجود این پدر هم‌چنان وضعیت غلبه‌گونه خود را حفظ می‌کند (کالباگ و هاویلند<sup>۴۱</sup>، ۱۹۹۴). احدی و جمهری (۱۳۸۲) بر این باورند که منطبق بر دیدگاه الکایند<sup>۴۲</sup>، به دنبال افزایش سن در دوره نوجوانی، آنها بر خلاف دوره‌های قبل، والدین خود را افراد بی‌نقص نمی‌بینند و به همین دلیل سعی می‌کنند در تصمیم‌گیری‌های خود، مستقل‌تر از پیش عمل کنند. در نهایت آنها این موضوع را که والدین با افزایش سن نوجوانان از سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه استفاده می‌کنند، حاصل تلاش‌های نوجوانان برای کسب استقلال تلقی نموده و معتقدند اگرچه در جریان تلاش‌های نوجوان برای کسب استقلال کشمکش‌هایی نیز میان والدین و نوجوانان رخ می‌دهد، اما این کشمکش‌ها به منزله خدشه‌دار شدن رابطه عاطفی یا جدایی بین آنان نیست. به عبارت بهتر آنها این شیوه تعامل والدین و فرزندان را پدیده نابهنجار تلقی نموده؛ بلکه آن را شکل تازه‌ای از تعامل بین والدین و نوجوانان در نظر می‌گیرند.

در نهایت نتایج پژوهش حاضر نشان داد اثر تعاملی جنسیت و سن تنها در متغیر شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه معنادار بوده و با افزایش سن فرزندان نوجوان پسر، والدین به آنان اختیارات بیشتری می‌دهند، در مقابل افزایش سن دختران نوجوان، منجر به افزایش اعطای آزادی‌های بیشتر در اعمال و رفتارهای آنان نمی‌شود. بر اساس نتایج مطالعات انجام شده، حس «خود» زنان پیرامون ایجاد و حفظ روابط و حس خود مردان پیرامون گرایش به استقلال در موقعیت‌های بین‌فردی سازمان می‌یابد (حجازی و سیف<sup>۴۳</sup>، ۱۳۸۰). بنابراین والدین رفتار دختران را به سمت جست‌وجوی روابط نزدیک و حفظ آن متمایل می‌سازند، اما پسران را به سوی عملکرد مستقل سوق می‌دهند (لوپز و گوور<sup>۴۴</sup>، ۱۹۹۳). پژوهش‌ها نشان داده‌اند کودکان و نوجوانان وابسته، به‌ویژه دختران نسبت به کودکان و نوجوانانی که تنهایی و انزوا را ترجیح می‌دهند، اجتماعی‌ترند و گرایش بین‌فردی دارند (بوزاکی، اینرد و تاوسون<sup>۴۵</sup>، ۱۹۹۷). هم‌چنین از آنجا که در جامعه والدین، دختران را آسیب‌پذیرتر و شکننده‌تر از پسران تلقی می‌کنند، بنابراین آنها دختران را بیشتر از پسران



نیازمند حمایت می‌دانند. این موضوع احتمالاً باعث می‌شود آنان حتی با افزایش سن فرزند نوجوان دختر آزادی کمتری به آنان دهند. برخی از صاحب‌نظران نیز بر این باورند که در کشور نیازهای دختران در مقایسه با نیازها و خواسته‌های پسران از سوی والدین کمتر به رسمیت شناخته می‌شود و اشتباهات دختران در مقایسه با پسران نابخشودنی‌تر به نظر می‌آید، لذا خانواده‌ها از اقدامات استقلال‌طلبانه دختران حمایت کمتری به عمل می‌آورند (عریضی سامانی و جوانمرد<sup>۴۶</sup>، ۱۳۹۱).

در کل پژوهش حاضر نشان داد والدین در تعامل با دختران بیشتر از پسران از شیوه‌های مقتدرانه استفاده می‌کنند، با افزایش سن فرزند نوجوان آزادی‌های بیشتری به آنان می‌دهند و برخلاف نوجوانان دختر، با افزایش سن فرزندان نوجوان پسر، اختیارات بیشتری به آنان می‌دهند. با وجود این، پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی نیز مواجه است که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: اول؛ پژوهش حاضر بین نوجوانان شهرستان کرج انجام شده و تنها آن دسته از نوجوانان را شامل می‌شود که در مقطع دبیرستان مشغول به تحصیل بودند، این موضوع تعمیم یافته‌های پژوهش حاضر به نوجوانان غیردانش‌آموزان و ساکنان دیگر مناطق کشور را با محدودیت مواجه می‌سازد. دوم؛ مطالعه حاضر از نوع مقطعی است. یکی از محدودیت‌های مطالعات مقطعی ناتوانی آن در نشان دادن تأثیر گذر زمان بر متغیرها و روابط آن‌هاست. بنابراین صورت‌بندی نتایج پژوهش حاضر بدون در نظر گرفتن تأثیر گذر زمان بر متغیرها و روابط آن‌ها یکی از محدودیت‌های مهم پژوهش حاضر به شمار می‌رود. سوم؛ داده‌های مربوط به شیوه‌های فرزندپروری، بر اساس ادراک نوجوانان از شیوه‌های تعامل والدین به دست آمده؛ نه بر اساس رفتارهای واقعی والدین. به همین دلیل ممکن است یافته‌ها از روایی بالایی برخوردار نباشد. در نهایت شایان ذکر است که در پژوهش حاضر برخی متغیرهای اثرگذار در نتایج پژوهش (صفات شخصیت فرزندان و والدین، وضعیت اجتماعی و اقتصادی والدین، هوش هیجانی نوجوانان و والدین) کنترل نشده است و ممکن است این موضوع نتایج پژوهش را تحت تأثیر قرار دهد. از این رو، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده به صورت طولی، در جوامع متفاوت، با مشارکت والدین و با کنترل متغیرهای اثرگذار در نتایج انجام شود. هم‌چنین با در نظر گرفتن نتایج حاصل از پژوهش حاضر، آموزش شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه فارغ از سن و جنسیت فرزندان به والدین پیشنهاد می‌شود.

#### پی‌نوشت‌ها

- |  |   |
|--|---|
| 1. McKinney, Milone & Renk                 | 24. Filtering                               |
| 2. Harper, Brown, Arias & Brody            | 25. Rosen, Cheever & Carrier                |
| 3. Karreman, Van Tuijl, Van Aken & Dekovic | 26. Baumrind Parenting Styles Questionnaire |
| 4. Kochanska                               | 27. Buri                                    |
| 5. Olson, Sameroff, Kerr & Lopez           | 28. Minaei & Nikzad                         |
| 6. Huver, Otten, De Vries & Engels         | 29. Box's M                                 |
| 7. Ghani, Roeswardi & Aziz                 | 30. Tabachnick & Fidell                     |
| 8. Ghani, Kamal & Aziz                     | 31. Bartlett's sphericity test              |
| 9. Matejevica, Jovanovica & Ilic           | 32. Sturge-Apple, Davies, Boker & Cummings  |
| 10. Baumrind                               |   |

- |   |   |
|---|---|
| 11. Authoritarian                                     | 33. Ahmad, Imran, Khanam & Riaz                           |
| 12. Authoritative                                     | 34. Eagly & Wood  |
| 13. Permissive  | 35. Vahedi & Fathi  |
| 14. Aghdasi, Najafi, Esmaili, PanahAli & Mohammadi    | 36. Khodaii, Medanipori & Naghdi                          |
| 15. Shahamat, Sabeti & Rezvani                        | 37. Loeber, Drinkwater, Yin, Anderson, Schmidt & Crawford |
| 16. Akbarian FiroozAbadi, Bahari & Mohammad Khani     | 38. Pagani, Tremblay, Vitaro, Kerr & McDuff               |
| 17. Belsky  | 39. Prevoo & Tamis-LeMonda                                |
| 18. Tasker  | 40. Stanger, Dumenci, Kamon & Burstein                    |
| 19. Mahoney, Donnelly, Lewis & Maynard                | 41. Kahlbaugh & Haviland                                  |
| 20. McKee, Roland, Coffelt, Olson, Forehand, ... Zens | 42. Elkind  |
| 21. Someya, Uehara, Kadowaki, Tang & Takahashi        | 43. Hejazi & Seif   |
| 22. Mitchell, Finkelhor & Wolak                       | 44. Lopez & Gover   |
| 23. Wang, Bianchi & Raley                             | 45. Bosacki, Innerd & Towson                              |
|   | 46. Oreyzi & Javanmard                                    |

## منابع

- احدی، ح. و جمهری، ف. (۱۳۸۲). *روان‌شناسی رشد، نوجوانی، بزرگسالی (جوانی، میانسالی، پیری)*. تهران: پردیس.
- اقدسی، ع. ن.، نجفی، س.، اسماعیلی، ر.، پناه علی، ا.، و محمدی، ا. (۱۳۹۰). مقایسه شیوه‌های فرزندپروری والدین نوجوانان پسر بزهکار و عادی. *زن و مطالعات خانواده*، ۱۳، ۱۵۱-۱۴۱.
- اکبریان فیروزآبادی، م.، بهاری، ع.، و محمدخانی، ش. (۱۳۹۶). رابطه سبک‌های فرزندپروری والدین و آسیب‌های کودکی ادراک شده فرزندان با سبک‌های دلبستگی بزرگسالی آن‌ها. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۱۳(۱)، ۴۵-۲۵.
- حجازی، ا.، و سیف، س. (۱۳۷۹). نگرش نوجوانان نسبت به سامانه تربیتی والدین. *مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی*، ۵(۱)، ۴۴-۲۰.
- خدایی، ا.، معدنی‌پور، ع.، و نقدی، و. (۱۳۸۶). والدین، نوجوانان، ارزش‌های خانوادگی؛ ترجیح اطاعت یا استقلال (تحلیل تطبیقی کشورهای منتخب خاورمیانه). *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۳(۴)، ۸۱۰-۷۹۱.
- شهامت، ف.، ثابتی، ع. ر.، و رضوانی، س. (۱۳۸۹). بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری و طرحواره‌های ناسازگار اولیه. *مطالعات تربیتی و روان‌شناسی*، ۱۱(۲)، ۲۵۴-۲۳۹.
- عریضی سامانی، ح. ر.، و جوانمرد، ش. (۱۳۹۱). سنجش رابطه دلبستگی به والدین و جدایی - تفرد با توجه به نقش تفاوت‌های جنسیتی. *زن در توسعه و سیاست*، ۱۰(۳)، ۵۰-۳۱.
- مینایی، ا.، و نیک‌زاد، س. (۱۳۹۶). ساختار عاملی و اعتبار نسخه فارسی پرسش‌نامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۱۳(۱)، ۹۱-۱۰۸.
- واحدی، ش.، و فتحی، ا. (۱۳۸۹). رابطه دلبستگی به والدین و همسالان با جدایی روان‌شناختی دانشجویان دختر و پسر جدیدالورود. *فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی*، ۵(۱۷)، ۱۸۳-۱۵۱.

- Aghdasi, A. N., Najafi, S., Esmaili, R., PanahAli, A., & Mohammadi, A. (2012). [Comparing the parenting styles of parents of juvenile delinquent boys and normal teenage boys in Tabriz]. *Journal of Woman and Study of Family*, 13, 141-151 [in Persian].
- Ahadi, H., & Jomehri, F. (2003). [Developmental psychology, adolescence, adulthood (youth, middle age, old age)]. Tehran: Pardis [in Persian].
- Ahmad, R., Imran, H., Khanam, S. J., & Riaz, Z. (2013). Gender differences in domain specific self-esteem of adolescents. *Asian Journal of Social Sciences & Humanities*, 2(2), 432-440.
- Akbarian FirouzAbadi, M., Bahari, A., & Mohammad Khani, Sh. (2017). [Relationship of Parenting Styles and Offspring's Perceived Childhood Traumas with their Attachment Styles in Adulthood]. *Journal of Family Research*, 13(1), 25-45 [in Persian].
- Belsky, J. (1984). The determinants of parenting: A process model. *Child development*, 11(3), 83-96.
- Bosacki, S., Innerd, W., & Towson, S. (1997). Field Independence–Dependence and Self-Esteem in Preadolescents: Does Gender Make a Difference? *Journal of Youth and Adolescence*, 26(6), 691-703.
- Buri, J. R. (1991). Parental authority questionnaire. *Journal of Personality Assessment*, 57(1), 110-119.
- Eagly, A. H., & Wood, W. (1991). Explaining sex differences in social behavior: A meta-analytic perspective. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 17(3), 306-315.
- Ghani, F. B. A., Kamal, S. L. A., & Aziz, A. A. (2014). The Implication of Parenting Styles on the Akhlak of Muslim Teenagers in the South of Malaysia. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 114, 761-765.
- Ghani, F. B. A., Roeswardi, S. I., & Aziz, A. A. (2014). Parenting Styles and their Relation to Teenagers' Personality Profile in Single Mother Families: A Case Study. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 114, 766-770.
- Harper, F. W., Brown, A. M., Arias, I., & Brody, G. (2006). Corporal punishment and kids: How do parent support and gender influence child adjustment? *Journal of Family Violence*, 21(3), 197-207.
- Hejazi, E., & Seif, S. (2000). [The attitude of adolescents toward parenting system]. *Psychology & Education*, 5(1), 20-44 [in Persian].
- Huver, R. M., Otten, R., De Vries, H., & Engels, R. C. (2010). Personality and parenting style in parents of adolescents. *Journal of Adolescent*, 33(3), 395-402.
- Kahlbaugh, P. E., Haviland, J. M. (1994). Nonverbal communication between parents and adolescents: A study of approach and avoidance behaviors. *Journal of Nonverbal Behavior*, 18(1), 91-113.
- Karreman, A., Van Tuijl, C., Van Aken, M. A., Dekovic, M. (2009). Predicting young children's externalizing problems: Interactions among effortful control, parenting, and child gender. *Merrill-Palmer Quarterly*, 55(2), 111-134.

- Khodaii, E., Medanipori, A., & Naghdi, V. (2008). [Parents, Adolescents, Familial Values; Preference of Obedience or Independence]. *Journal of Family Research*, 3(4), 791-810 [in Persian].
- Kochanska, G. (1997). Multiple pathways to conscience for children with different temperaments: from toddlerhood to age 5. *Developmental Psychology*, 33(2), 228-239.
- Loeber, R., Drinkwater, M., Yin, Y., Anderson, S.J., Schmidt, L.C., & Crawford, A. (2000). Stability of family interaction from ages 6 to 18. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 28(4), 353-369.
- Lopez, F. G., & Gover, M. R. (1993). Self-report measures of parent-adolescent attachment and separation-individuation: A Selective Review. *Journal of Counseling & Development*, 71(5), 560-569.
- Mahoney, A., Donnelly, W. O., Lewis, T., & Maynard, C. (2000). Mother and father self-reports of corporal punishment and severe physical aggression toward clinic-referred youth. *Journal of Clinical Child Psychology*, 29(2), 281-266.
- Matejevica, M., Jovanovica, D., & Ilic, M. (2015). Patterns of Family Functioning and Parenting Style of Adolescents with Depressive Reactions. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 185, 234-239.
- McKee, L., Roland, E., Coffelt, N., Olson, A.L., Forehand, R., ... Zens, M. S. (2007). Harsh discipline and child problem behaviors: The roles of positive parenting and gender. *Journal of Family Violence*, 22(4), 187-196.
- McKinney, C., Milone, M. C., & Renk, K. (2011). Parenting and late adolescent emotional adjustment: Mediating effects of discipline and gender. *Child Psychiatry & Human Development*, 42(4), 463-481.
- McKinney, C., & Renk, K. (2008). Multivariate models of parent-late adolescent gender dyads: The importance of parenting processes in predicting adjustment. *Child Psychiatry and Human Development*, 39(2), 147-170.
- Minaei, A., & Nikzad, S. (2017). [The Factor Structure and Validity of the Persian Version of the Baumrind Parenting Style Inventory]. *Journal of Family Research*, 13(1), 91-108 [in Persian].
- Mitchell, K. J., Finkelhor, D., & Wolak, J. (2005). Protecting youth online: Family use of filtering and blocking software. *Child Abuse & Neglect*, 29(7), 753-765.
- Olson, S. L., Sameroff, A. J., Kerr, D. C., & Lopez, N. L. (2005). Wellman HM. Developmental foundations of externalizing problems in young children: The role of effortful control. *Development and Psychopathology*, 17(1), 25-45.
- Oreyzi, H. R., & Javanmard, S. (2012). [Evaluating Attachment of Children to their Parents and their Separation Considering the Role of Gender Differences]. *Women in Development & Politics*, 10(3), 31-50 [in Persian].
- Prevo, M. J. L., & Tamis-LeMonda, C. S. (2017). Parenting and globalization in western countries: explaining differences in parent-child interactions. *Current Opinion in Psychology*, 15, 33-39.
- Rosen, L. D., Cheever, N. A., & Carrier, L. M. (2008). The association of parenting style and child age with parental limit setting and adolescent MySpace behavior. *Journal of Applied Developmental Psychology*, 29(6), 459-471.

- Shahamat, F., Sabeti, A. R., & Rezvani, S. (2011). [A Study of the relationship between child-parenting styles and early maladaptive schemata]. *Studies in Education and Psychology*, 11(2), 239-254 [in Persian].
- Someya, T., Uehara, T., Kadowaki, M., Tang, S. W., & Takahashi, S. (2000). Effects of gender difference and birth order on perceived parenting styles, measured by the EMBU scale, in Japanese two-sibling subjects. *Psychiatry and Clinical Neurosciences*, 54(1), 77-81.
- Stanger, C., Dumenci, L., Kamon, J., & Burstein, M. (2004). Parenting and children's externalizing problems in substance-abusing families. *Journal of Clinical Child and Adolescent Psychology*, 33(3), 590-600.
- Sturge-Apple, M. L., Davies, P. T., Boker, S. M., & Cummings, E. M. (2004). Interparental discord and parenting: Testing the moderating roles of child and parent gender. *Parenting: Science and Practice*, 4(4), 361-380.
- Tabachnick, B. G., & Fidell, L. S. (2007). *Using Multivariate Statistics*. New York: Pearson Education.
- Tasker, F. (2010). Same-sex parenting and child development: Reviewing the contribution of parental gender. *Journal of Marriage and Family*, 72(1), 35-40.
- Vahedi, Sh., & Fathi, A. (2010). [Relationship between Attachment to Parents and Peers and Psychological Separation in Freshmen College Students]. *Modern Psychological Research*, 5(17), 151-183 [in Persian].
- Wang, R., Bianchi, S. M., & Raley, S. B. (2005). Teenagers' Internet use and family rules: A research note. *Journal of Marriage and Family*, 67(5), 1249-1258.